

تحلیل هفته

شماره: 52 (از 16 عقرب الی 22 عقرب 1392 هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد تا نهادهای سیاست گذار استفاده نمایند.

آنچه درین نشریه می خوانید:

1. پس منظر پیمان امنیتی کابل-واشنگتن

- امریکا در منطقه منافی دارد که بقای امریکا را در افغانستان تقاضا میکند، که این منافع متفاوت است از جمله مصالح اقتصادی، امنیتی، و بعضی از آن مربوط میشود به رهبری جهان، اما مصالح و منافی که با تهاجم امریکا بر افغانستان مستقیماً ارتباط دارد، تقاضای حضور امریکا را در افغانستان دارد.

2. له امریکا سره د امنیتی ترون په مخالفت د زرگونو تنو هېواد والو ستره غونډه

- که څه هم له امریکا سره امنیتی ترون د مرستو په نوم لاسلیک کېږي؛ خو تر اوسه پورې د شوو خبرو له مخې چې په دغه سند کې ذکر شوې دي، افغانستان ته د مرستو هېڅ ژمنه نه ورکول کېږي.

3. امام علی رحمان، برای چهارمین بار رئیس جمهور تاجکستان شد!

- امام علی رحمان شصت و دو ساله که از سال 1992 میلادی تا اکنون بر مسند حکومت تاجکستان حکمفرماست، اگر بتواند این دوره از ریاست جمهوری اش را نیز سپری نماید، مدت 28 سال مسلسل زمامدار تاجکستان خواهد بود که طی مدت 21 سال گذشته از اقتدارش، نه تنها کاری در راستای محو فقر، بیکاری و محرومیت ملت تاجک انجام نداد، بلکه با زور گویی و سلطه جویی چون زمان حاکمیت اتحاد شوروی سابق بر این کشور محروم در آسیای میانه، ملت تاجک را از آزادی های بنیادی چون آزادی های دینی، فرهنگی و اجتماعی نیز با مطرح نمودن بهانه های مختلف، محروم ساخته است.

پس منظر پیمان امنیتی کابل-واشنگتن



سفر اخیر جان کیری وزیر خارجه امریکا به کابل یکی از مهمترین سفرهای مسؤولین بلند رتبه امریکا در این اواخر به حساب می‌رود. در جریان این سفر رییس جمهور افغانستان اعلان کرد که هردو طرف در مورد اکثریت موضوعات این پیمان به توافق رسیدند.

پس منظر این پیمان چه است؟ چه اهمیت دارد؟ آینده اش چطور است؟ و ملت افغانستان به کدام دید برایش می‌نگرد؟

دکتور مصباح الله عبدالباقي، عضو بورده علمی مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی در پیوند به سوالات فوق، چنین می‌نویسد:

پس منظر پیمان امنیتی:

وقتیکه پیمان استراتژیک بین افغانستان و امریکا در 5 می 2012 در سفر نا اعلام شده بارک اوباما به افغانستان امضا گردید، تاسیس پایگاه های نظامی یکی از موارد ناهل شده و به تعویق انداخته شده این پیمان بود.

هر دو طرف اتفاق کردند که در مورد موضوعات اختلافی بحث میکنند، و پیمان امنیتی را عقد می نمایند، به همین اساس بود که مباحثات بین هردو طرف از اکتوبر 2012 آغاز گردید، که با مباحثات، و مشکلات همراه بود، و معلوم میشود که هردو طرف در مورد اکثریت موضوعات اتفاق کرده اند، و این پیمان به زودی امضا خواهد گردید.

در این مدت حکومت افغانستان تحت فشارهای متعددی از طرف حکومت امریکا قرار گرفت تا حسب پیمان استراتژیک پیمان امنیتی در زمان تعیین شده امضا گردد.

برای کاهش تنش و نزدیک ساختن نظریات هردو طرف، حامد کرزی در ماه جنوری سال جاری به امریکا سفر نمود، و با بارک اوباما ملاقات کرد. در جریان این سفر بعضی از مسؤولین بلند رتبه امریکا برای اعمال فشارها، تهدید کردند که اگر حکومت افغانستان خواسته های آنان را مبنی بر امضای پیمان امنیتی نپذیرند، امریکا تمام عساکر خویش را از افغانستان بیرون خواهد کرد، این در حالی است که حامد کرزی همواره تاکید کرد که تا وقتی که جانب افغانستان ضمانتهای برای تامین مصالح ملی بدست نیآورد، این پیمان را امضا نخواهد کرد، و گفت که افغانستان برای امضا این سند عجله ندارد چرا که وقت به نفع ما است، و این امریکاست که عجله دارد.

در ملاقاتی که در ماه جون گذشته سال جاری با حامد کرزی داشت، لوی درستیز امریکا جنرال مارتن دیمبسی گفت: کشورش میخواهد با امضا نمودن پیمان امنیتی با افغانستان خطوط کاری نیروهایش را بعد از سال 2014 که ماموریت ناتو به پایان میرسد، واضح سازد. او خواست که این پیمان قبل از ماه اکتوبر سال جاری امضا گردد.

دیمبسی تاکید کرد که گزینه صفر یا خروج تمامی نیروهای امریکا از افغانستان اصلا قابل بحث نیست، و چند روز پیش که جان کیری وزیر خارجه امریکا در یک سفر از قبل نا اعلام شده به کابل رسید، و با حامد کرزی در مورد این پیمان ملاقاتهای طولانی داشت که در نتیجه هردو طرف در حل اکثریت موضوعات اختلافی به اتفاق رسیدند. اما سوالی که مطرح میشود این است که چرا حامد کرزی قضیه را معطل می گذاشت؟ و چرا جانب امریکا عجله و اصرار می وزرید؟

امریکا از این پیمان چه می خواهد؟

امریکا در منطقه منافع دارد که بقای امریکا را در افغانستان تقاضا میکند، که این منافع متفاوت است، مصالح اقتصادی، امنیتی، و بعضی از آن مربوط میشود به رهبری جهان، اما مصالح و منافی که با تهاجم امریکا بر افغانستان مستقیما ارتباط دارد، میخواهد که امریکا در افغانستان باقی بماند.

امریکا با مداخله در افغانستان مصارف گزافی را متقبل شد، همچنان تلفات زیادی جانی نیز با خود داشت. امریکا فکر میکرد و تا حال فکر میکند که امنیت ملی اش از طرف گروه های افراطی در افغانستان مورد تهدید است، پس خروج امریکا از افغانستان بطور کلی به این معنی است که تمام این تلفات مالی و جانی که بخاطر تامین امنیت ملی اش بود، بهبوده و ضایع میشود، و از همین جاست که میخواهد برای همیشه در افغانستان بماند، و تا زمان که از امنیت ملی خویش مطمئن نشده باشد، بیرون نخواهد شد. و بقای نیروهای امریکا منوط به امضای پیمان نظامی میباشد که امریکا بر آن تاکید می کند و حکومت افغانستان را مورد فشار قرار میدهد.

حکومت افغانستان چه می خواهد؟

حامد کرزی طوری وانمود میکند که در مذاکرات از مصالح و منافع ملی افغانستان دفاع نموده است، و در روزهای گذشته در مورد مشکلات صحبت نموده، و موارد اختلافی ذیل را یاد آوری نمود:

1- تجاوز علیه یکی از طرفین پیمان:

حکومت افغانستان میگوید: نبود تعریف مشخص و واضح از تجاوز، یکی از موارد اختلافی بین افغانستان و امریکا بود. در سال گذشته مناطق مرزی افغانستان در شرق مورد هدف توپخانه و تهاجم نیروهای پاکستانی قرار گرفت، و نیروهای پاکستانی داخل قلمرو افغانستان گردید، همچنان افغانستان مورد حملات گروه های نظامی که در پاکستان مرکز دارد، قرار میگیرد، اما امریکا با وجود تعهدات مبنی بر دفاع از افغانستان هیچ نوع عکس العملی را بر ضد حملات پاکستانی نشان نداد.

به همین خاطر، حکومت افغانستان لازم میدانند تا تعریف مشخص از "تجاوز علیه یکی از طرفین پیمان" وجود داشته باشد، در غیر آن موضوع گنگ خواهد بود و افغانستان از این پیمان سودی نخواهد برد.

احترام به حاکمیت ملی: حکومت افغانستان میگوید، با وجود اینکه امریکایی ها خود را متعهد به حاکمیت ملی افغانستان میدانند، اما آنان بارها به خلاف این توافق عمل کرده اند.

نیروهای امریکایی، در داخل افغانستان زندانها داشت، هرکسی را که می خواست زندانی یا رها میکرد و ارگانهای قضایی را در جریان قرار نمی داد، و همچنان طوریکه دیده شد، امریکا بدون مشوره با حکومت افغانستان با مخالفین مسلحه وارد مذاکره گردیدند، این همه نقض صریح حاکمیت ملی افغانستان است، به همین خاطر حکومت افغانستان باید ضمانت های را بدست بیاورد که نیروهای امریکایی حاکمیت و استقلال افغانستان را محترم داند و آنرا نقض نکند.

2- تلفات افراد ملکی:

تلفات افراد ملکی در عملیات نیروهای امریکایی و بمباردمان آنان یکی از موضوعات دشوار بود، که حکومت و رییس جمهور افغانستان بارها به شدت آنرا تقبیح و نکوهش نموده، و نیز مظاهرات متعددی بر ضد این عملیاتها صورت گرفت، پس اگر نیروهای امریکایی میخواهند که در افغانستان باقی بمانند، حکومت افغانستان می خواهد ضمانت های داشته باشد که افراد ملکی قربانی عملیات امریکایی نمیشود.

3- عملیاتهای خودسرانه:

نیروهای امریکایی بارها در جریان حضور شان در افغانستان اقدام به عملیات شبانه بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی افغانستان نموده اند، که در جریان این عملیات به تلاشی خانه ها و بی احترامی به زنان و پیرمردان نیز دست زدند، چیزی که حساسیت و قهر زیادی از افغانها را برانگیخت. حکومت افغانستان میگوید که ضمانتهای را بدست آوردند که نیروهای امریکایی بعد از امضای این پیمان به این نوع عملیاتها دست نخواهند زد.

معافیت قضایی:

امریکا تاکید میکند که آنان در تعدادی از کشورهای جهان پایگاه‌های نظامی دارند، و نیروهایشان از پیگرد قضایی در کشور میزبان معافیت دارند، چیزی که در قانون اساسی آمریکا تصریح یافته است. و اگر جانب مقابل این شرط را نپذیرد، آمریکا پیمان نظامی را نخواهد بست.

جان کبری واضح نمود که مراد از حمایت قضایی این است که عسکر امریکایی اگر مرتکب جرمی میگردد، در پایگاه‌های امریکایی طبق قوانین آمریکا محاکمه میگردد، و مقصد این نیست که مجرم از پیگرد قانونی بطور کلی معاف گردد.

لویه جرگه سال گذشته که حامد کرزی برای بحث در مورد پیمان استراتژیک با آمریکا آن را فرا خوانده بود، گفت که در صورت تاسیس پایگاه‌های نظامی، حکومت افغانستان نباید به آنان معافیت از قانون را بدهد.

اما حکومت افغانستان میخواهد که این موضوع را بار دیگر در سر زبان بیاورد، و آنرا به لویه جرگه که رییس جمهور در روزهای آینده آن را دایر خواهد کرد، محول نماید، سوال این است، با وصف اینکه لویه جرگه گذشته موقف و تصمیم خویش را در مورد این قضیه واضح نموده است، چرا حکومت افغانستان میخواهد که بار دیگر این موضوع را به همان لویه جرگه واگذار نماید؟

معلوم میشود که هدف از این حرکت آنان ادامه یافتن موضوع اساسی پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان است، و هدف از پخش موضوعاتی که از آن یاد آوردیم در مطبوعات این است که برای ملت افغانستان اذعان کنند که حکومت افغانستان در مورد حفظ منافع ملی از هیچ نوع تلاش دریغ ننموده است و قضیه موجودیت پایگاه‌های نظامی نیروهای خارجی موضوع اتفافی است. طوری معلوم میشود که لویه جرگه آینده مانند سابق سمبولیک خواهد بود، کسانی در آن اشتراک خواهند کرد که حکومت میخواهد، و مباحثات نیز در مورد بعضی از قضایای جانبی و دور از موضوع اصلی خواهد بود.

موقف گیری ملت افغانستان:

ملت افغانستان مانند گذشته که در قبال پیمان استراتژیک به دو دسته تقسیم شده بود، حالا نیز به دو دسته تقسیم شده است.

1- موافقین امضای سند:

جمعی از افغانها فکر میکنند که در حالات فعلی، افغانستان قادر به دفاع از خود نیست و نه هم به پای خود ایستاده است، نمی تواند بودیجه خویش را بدون کمکهای کشورهای غربی تامین کند، و همچنان نمی تواند که از مداخلات کشورهای بیرونی بالخصوص کشورهای همجوار و همسایه بدون کمک آمریکا جلوگیری کند.

این طبقه مردم فکر میکنند که افغانستان در این دور تاریخ خویش باید مورد اهتمام و نظر کشورهای غربی قرار گیرد، و هیچ یکی از این مصالح بدون موجودیت آمریکا و پایگاه‌های نظامی تحقق پیدا نمی کند، و این همه مربوط به امضای سند پیمان نظامی میشود.

2- گروه مخالف امضای سند:

گروه دیگری فکر میکند که پیمان نظامی که متضمن پایگاه‌های عسکری آمریکا در افغانستان میباشد به نفع افغانستان نیست، زیرا این سند مشکلات داخلی و خارجی را به کشور جلب میکند، و بالخصوص در سطح کشورهای همسایه.

موجودیت آمریکا زمینه و فرصت حسابگیری را به بازیگران خرد و کلان با آمریکا را در افغانستان مساعد خواهد کرد، و همچنان موجودیت پایگاه‌های نظامی آمریکا تهدیدی برای جامعه دینی و اجتماعی خواهد بود، و شاید هم سبب اصلی تداوم جنگ شود، زیرا موجودیت نیروهای خارجی جوانان را برضد آنان خواهد شوراند.

شکی نیست که افغانستان در حالت فعلی نمی تواند که به پای خویش ایستاده شود، و برای بیرون رفت از مشکلات فعلی نیاز به کمک جامعه بین المللی دارد، و ضرورت دارد که برای رسیدن به امنیت سرتاسری، جامعه جهانی در کنارش باشد، و این امر برای افغانستان، منطقه و جهان مهم است، زیرا نا آرامی در این منطقه، سبب درد سر به همه خواهد بود، اما بخاطر ایستادن جامعه جهانی در کنار افغانستان و کمک با این کشور، نیازی به ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان نیست.

از همین جاست، که حل قضیه در امضای پیمانهای امنیتی و استراتژیک بین افغانستان و امریکا و دیگر کشورها نهفته است، اما این پیمانها باید از موادی خالی باشد که تقاضای ایجاد پایگاه های نظامی را میکند، و به این طور میتوان جمع بین منافع کرد و از مشکلات جلوگیری نمود.

له امریکا سره د امنیتي ترون په مخالفت د زرگونو تنو هېواد والو ستره غونډه



د افغانستان د ملي وحدت اوله بهرنیو اډو سره د مخالفت جبهې په نوښت، په کابل ښار کې د افغانستان د دیني عالمانو او اکاډیمیکو شخصیتونو یو ستر کنفرانس ترتیب شوی و، چې په ترڅ کې یې ددې کنفرانس گډونوالو او د افغانستان د بېلابېلو ولایتونو گڼ شمېر دیني عالمانو، سیاسي او جهادي شخصیتونو او مخورو، له امریکا سره د امنیتي ترون او امریکایي پوځیانو ته د قضایي مصونیت له ورکړې سره، کلک مخالفت څرگند کړ.

د زرگونو تنو په گډون دغه پراخه غونډه یکشنبې په ورځ د لړم په 19مه نېټه، د کابل ښار په ممتاز محل هوټل کې د پخواني جهادي مشر انجنیر احمدشاه احمدزي په مشرۍ د بهرنیانو له پوځي اډو سره د مخالفت د جبهې له خوا، (له امریکا سره د امنیتي ترون په هکله د علماوو او پوهانو جرگه) تر نامه لاندې راغونډل شوې وه.

له بېلابېلو ولایتونو څخه د راغلو زرگونو افغانانو دغه تاریخي غونډې ته په پراخه کچه وینا کې جهادي او سیاسي شخصیت استاد محمد زمان مزمل، افغانستان په اوسني وخت کې له حساس تاریخي او خطرناک پړاو څخه تېرېدونکی وباله او د نننۍ راغونډل شوې جرگې موخه یې د بهرنیو ځواکونو د پاتې کېدلو په اړه، د چوپټیا ماتول وگڼل.

مزمل په نژدې راتلونکي کې جوړېدونکې دودویزه لویه جرگه کې، راتولېدونکي کسان د بهرنیانو د ژباړنانو پلرونه او داسې څوک وبلل چې له امریکا سره پروژې او نور گډ مصلحتونه پالي.

نوموړي دغه جرگه ناقانونه وبلله او په دغه جرگه کې گډون کوونکي کسان ته یې په خطاب کې وویل: "د جرگو نوم مه بدوئ، جرگې خو د وطن د ازادۍ لپاره وي؛ که په افغانستان کې پوځي اډې قانوني کوئ، نو د ملت جنګ ته تیار شئ."

مزمل د خپلو خبرو په ترڅ کې امریکا هم وننگوله چې له شوروي څخه دې پند واخلي او دا دولس کاله یې چې افغانان ووژل نور دې خپل ظلم ودروي او له افغانستان څخه دې ووځي.

له پوځي اډو سره د مخالفت د جبهې ویاند او د سیاسي چارو شنونکي وحید مژده په خپلو خبرو کې، د امنیتي ترون په اړه د افغان او امریکایي پلاوي د خبرو اترو څخه د نوموړي گوتو ته دې ورغلي سند ځینو ټکو ته اشاره وکړه او پر بنسټ یې امنیتي ترون د افغانستان په زیان وباله.

نوموړي وویل، چې که څه هم له امریکا سره امنیتي ترون د مرستو په نوم لاسلیک کېږي؛ خو تر اوسه پورې د شوو خبرو له مخې چې په دغه سند کې ذکر شوې دي، افغانستان ته د مرستو هېڅ ژمنه نه ورکول کېږي.

د مژده په خبره په یاد شوي سند کې راغلي دي چې په امنیتي ترون کې د امریکا د استخباراتو (سي ای اې) او بې پیلوټه الوتکو د عملیاتو کنټرول شامل نه دي او دغه راز امریکا پر خپلو پوځونو هېڅ ډول محدودیت هم نه مني.



نوموړي د دغه امنیتي ترون لاسلیک، په افغانستان کې د جگړې د دوام او د گاونډیانو د دښمنۍ په معنا وگڼلو او زیاته یې کړه، څوک چې امریکایانو ته قضایي مصونیت ورکړي او امنیتي ترون ورسره لاسلیک کړي، نوم به یې د خاینینو او وطن پلورونکو په لېست کې شامل شي.

د ولسي جرگې پخوانی وکیل او له پوځي اډو سره د مخالفت د جبهې غړی حاجي فرید په خپلو خبرو

کې یې نړیوالو ته په خطاب کې وویل، چې اوسنی حکومت او د دودیزې لویې جرګې گډونوال د افغان ولس استازیتوب نه شي کولای.

حاجي فرید ولسمشر حامد کرزی و ننګاوه چې په راتلونکې جرګه کې راتلونکي کسان د افغانستان استازیتوب نشي کولای او کرزی ته یې په خطاب کې وویل: "که لس زره کسان راسره راتولوې هم زه درسره حاضر یم، خو څوک د افغانستان کور په کور راسره گرځېدای شي."

ده زیاته کړه چې: "کوم کسان چې زموږ په نننۍ جرګه کې له ټول هېواده راتول شوي دي، دا د ولس اصلي استازي دي."

نوموړي د غونډې له کډونوالو څخه امریکایانو ته د قضایي مصوونیت د ورکړې او امنیتي تړون د لاسلیک په اړه وپوښتل چې ټولو په یوه اواز د نه ورکړې غږ اوچت کړ.

د فرید په وینا، که امریکایان د جرم هوډ ونه لري، نو قضایي مصوونیت ته څه اړتیا ده او ولې قضایي مصوونیت غواړي او څرګنده یې کړه چې کرزی غواړي د افغانانو د عزت قباله د لویې جرګې د کډونوالو په لاسلیک امریکایانو ته وسپاري.

د دغې لویې غونډې په پرېکړه لیک کې راغلي دي، چې دغه امنیتي تړون هېڅ قانوني او شرعي بنسټ نه لري.

په پرېکړه لیک کې د افغانستان اوسنی جګړه د اشغال زېږنده بلل شوې او پکې راغلي: "مونږ د افغانستان د دیني عالمانو، پوهانو او متخصصانو د ستر کنفرانس کډونوال چې د هېواد له ګوت ګوت څخه د هېواد د ټولو عالمانو، پوهانو او باخبره وګړو په استازیتوب د هېواد په پلازمېنه کابل کې راغونډ شوي یو، هر ډول تړون چې د افغانستان په خاوره کې د بهرنیو پوځي اډو د جوړښت اجازه ورکوي، یو غیر شرعي، غیر قانوني او د افغانستان له خپلواکۍ او ازادۍ سره مخالف بولو."

په پرېکړه لیک کې له افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو پر بې قید او شرطه وتلو ټینګار شوی او پکې زیاته شوې چې: "په سیاسي، پوځي، اقتصادي او فرهنګي ټولو برخو کې د خپل ګران ولس د عامې او تامې خپلواکۍ او ازادۍ غوښتونکي یو."

دغه لوی کنفرانس داسې مهال جوړېږي، چې ټاکل شوې په راتلونکو څو ورځو کې له امریکا سره د امنیتي تړون او دلته پاتې کېدونکو امریکایي عسکرو ته دقضایي مصوونیت د ورکړې په اړه د افغان دولت له لوري، شاوخوا درې زره تنه په دودیزه لویه جرګه کې راتول شي او په اړه به یې پرېکړه وکړي.

تاجکستان و هفت سال آینده تحت زعامت امام علی رحمان!

احمدضیاء رحیمزی، نویسنده و ژورنالیست (عضو بورد تحلیل مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی در قضایای سیاسی-اقتصادی تاجکستان)



انتخابات اخیر ریاست جمهوری تاجکستان به حیث کشور مهم و دارای اهمیت استراتژیک در آسیای مرکزی، توجه همه کشورها و حلقات سیاسی و رسانه پی را بسوی خود معطوف نموده بود که بالاخره با اعلان برنده شدن "امام علی رحمان" رئیس جمهور کنونی این کشور، یکبار دیگر امیدها و آرزوهای اکثریت مطلق حلقات آزادی خواه و عدالت خواه نه تنها در خاک تاجکستان بلکه در اکثر نقاط منطقه و جهان را با یأس و نومیدی روبرو ساخت.

هرچند ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا و همچنان وزارت خارجه امریکا از نواقض و نواقص در انتخابات ریاست جمهوری تاجکستان صحبت می کنند ولی به قول برخی از ناظرین اوضاع و تحلیلمان مسایل سیاسی، حتی اگر این انتخابات ریاست جمهوری در تاجکستان براساسی هم بصورت کلی شفاف و منصفانه برگزار می گردید، باز هم پیروزی امام علی رحمان در این رقابت ها حتی و یقینی می نمود.

این پیش بینی در مورد پیروزی حتی امام علی رحمان از آنجا نشأت کرد که در اواخر ماه گذشته شمسی، کمیسیون مستقل انتخابات کشور تاجکستان، کاندیداتوری خانم "آینهال بابانظرآوا" حقوقدان مشهور تاجکی برای شرکت در رقابت های انتخاباتی آن کشور را رد نمود، درحالیکه خانم "آینهال بابانظرآوا" به حیث نامزد اصلی اتحاد گروه ها و احزاب اصلاح طلب تاجکستان به شمول حزب نهضت اسلامی تاجکستان به رهبری "دکتور محی الدین کبیری"، اعلام شده بود.

پس از رد اسناد کاندیداتوری خانم "بابانظرآوا" توسط کمیسیون انتخابات تاجکستان، برعلاوه امام علی رحمان در این انتخابات پنج نامزد دیگری نیز شرکت کردند ولی هیچ یک از این پنج کاندید کسی نبود که بتوان وی را دارای جایگاه قابل ملاحظه در جامعه و سیاست تاجکستان برشمرد و مهمتر از همه این که این همه پنج تن بصورت ضمنی از حامیان پشت پرده آقای رحمان شناخته می شدند، چنانچه در پایان هیچ یک از پنج نامزدی که گویا با جمع آوری ۲۱۰ هزار امضا، اجازه ورود به مبارزات انتخاباتی را بدست آورده بودند، نتوانستند کم از کم ۲۰۰ هزار رأی بدست بیاورند.

در پیوند به این مسئله، آقای احمدضیاء رحیمزی، نویسنده و ژورنالیست افغان به گروپ رسانه پی اصلاح نوشت:

آن چنان که کمیسیون انتخابات تاجکستان، نتایج انتخابات مؤرخ ششم نومبر این کشور را بیان داشت، امام علی رحمان ظاهراً با کسب 83,6 فیصد مجموع آرا یکبار دیگر برای هفت سال آینده از زمان فروپاشی اتحاد شوروی سابق زمام امورکشوری را بدست گرفت که پس از اخذ استقلال از شوروی، تا حال هم نتوانسته آن گونه که شاید و باید بر مشکلات و بحران های اقتصادی، اجتماعی و..... خود پیروز گردد و گام های عملی در راستای بیرون رفت کشورش از انزوای اقتصادی و سیاسی را بردارد.

رحیمزی میگوید: بدون شک باقی ماندن امام علی رحمان در اریکه قدرت، طی این مدت طولانی و پیروزی هرپار وی در انتخابات ریاست جمهوری با اکثریت آرای شرکت کننده در انتخابات تاجکستان، ریشه در مسایل بیرونی و منطقوی نیز دارد و از نقش بارز کشورهای دور و نزدیک چون ازبکستان، روسیه و حتی ایران در تحولات و وقایع تاجکستان، نمی توان به ساده گی چشم پوشید.

چنانچه اشتراک هیأت ناظری از اتحادیه کشورهای مشترک المنافع (که به شمول روسیه شامل کشورهای آسیایی آزاد شده از چنگال اتحاد شوروی سابق می گردد) برعلاوه اشتراک هیأت ناظر از سازمان امنیت و همکاری اروپا در انتخابات اخیر ریاست جمهوری تاجکستان و ابراز نظر این هیأت ناظر کشورهای مشترک المنافع در مورد شفافیت و سالمیت انتخابات، برخلاف انتقاد های از جانب

هیأت ناظر سازمان امنیت و همکاری اروپا، می تواند به حیث نشانه بی شمردی که نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری تاجکستان برای این کشورها، تا چه حد مهم و حیاتی پنداشته می شد.

امام علی رحمان شصت و دو ساله که از سال 1992 میلادی تا اکنون بر مسند حکومت تاجکستان حکمفرماست، اگر بتواند این دوره از ریاست جمهوری اش را نیز سپری نماید، مدت 28 سال مسلسل زمامدار تاجکستان خواهد بود که طی مدت 21 سال گذشته از اقتدارش، نه تنها کاری در راستای محو فقر، بیکاری و محرومیت ملت تاجک انجام نداد، بلکه با زور گویی و سلطه جویی چون زمان حاکمیت اتحاد شوروی سابق بر این کشور محروم آسیای میانه، ملت تاجک را از آزادی های بنیادی چون آزادی های دینی، فرهنگی و اجتماعی نیز با مطرح نمودن بهانه های مختلف، محروم ساخته است.

دو سال پس از به قدرت رسیدن امام علی رحمان در سال 1992 میلادی، آتش جنگ داخلی در تاجکستان نیز برافروخته گشت که اقتصاد نیمه جان این کشور، پس از آزادی از اتحاد شوروی سابق را در شعله های خشمگین خود فروبرد و هر چند مذاکرات صلح بین حکومت امام علی رحمان و مخالفین آن در تابستان سال 1997 میلادی به امضای موافقتنامه صلح انجامید و جنگ داخلی در آن کشور بیشتر در نتیجه سعه صدر مخالفان نظام آقای امام علی رحمان به پایان رسید، اما زمامدار دیکتاتور تاجکستان که سابقه کار در اتحاد شوروی سوسیالیستی را نیز دارا بود، بازهم بر اریکه قدرت تکیه زد و به همکاری روسیه و سایر کشورها سلطه زور گویانه خود را بر تاجکستان ادامه داد.

امام علی رحمان در انتخابات سال 1999 میلادی که دومین انتخابات ریاست جمهوری تاجکستان پس از به قدرت رسیدن وی شمردی می شد، بار دوم نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد و طبق معمول باز هم توانست برنده این انتخابات گردد. رحمان در سال 2003 میلادی با برگزاری یک همه پرسی مدت ریاست جمهوری یک فرد در تاجکستان را از پنج سال به هفت سال افزایش داد و در انتخابات سال 2006 میلادی بار دیگر نامزد این انتخابات گردیده، در ظاهر امر با کسب آرای بیشتر پیروزی را بدست آورد.

هر چند مخالفان سیاسی آقای رحمان از همان آوان انتقاد می کردند که موصوف پس از دو دوره نامزدی دیگر حق اشتراک در انتخابات را ندارد، اما کو آن گوش شنوا!!!

به هر صورت، هر چند در آخرین انتخابات ریاست جمهوری در تاجکستان یک بار دیگر امام علی رحمان توانست با استفاده از طرق مختلف و از جمله بکار گیری حيله بی برای رد اسناد کاندیداتوری بزرگ ترین رقیب انتخاباتی خود از ائتلاف احزاب اصلاح طلب و از جمله نهضت اسلامی تاجکستان، یکبار دیگر برای هفت سال آینده زمام امور این کشور فقیر و درد مند را بر عهده بگیرد، و با توجه به اینکه اگر بازهم از "حيله" ای تغییر در قانون اساسی کشورش استفاده نکند، این آخرین بار ریاست جمهوری وی خواهد بود، نباید نادیده انگاشت که پیش برد دور جدیداً آغاز شده ریاست جمهوری، به سبک گذشته برای آقای امام علی رحمان، با در نظر داشت تحولات ژرف منطقه و جهان خالی از چالش و فرود و فراز نیز نخواهد بود.

بدون شک امام علی رحمان با استفاده از هر وسیله ای که برایش میسر بود، توانست مخالفین سیاسی خود را در این انتخابات شکست بدهد، اما آن گونه که در ضمن مبارزات انتخاباتی خود به مردم تاجکستان قول داده است باید با احداث بیش از ۲۰۰ واحد کارخانه شماری از مهاجران کاری تاجک مقیم روسیه و سایر کشورها را به خانه برگرداند، با برگزاری یک همه پرسی، حکم اعدام را در تاجکستان لغو کند و خدمت سربازی را که فعلاً در آن کشور اجباری است، به شکل قراردادی تعویض نماید.

کارشناسان مسایل آسیای مرکزی، فقر و بیکاری، مهاجرت بیش از یک میلیون نفر به خارج و وابستگی دولت به پول مهاجران تاجکی در خارج و به خصوص روسیه را از نقاط عمده ضعف امام علی رحمان و تیم کاری او در دو دهه اخیر ارزیابی می کنند.

از جانب دیگر منتقدان سیاسی آقای امام علی رحمان که با وجود تقلب و خلاف ورزی گسترده در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، پیروزی وی را پذیرفته اند، انتظار دارند تا آقای رحمان با اصلاح ساختار قدرت در تاجکستان، قسمتی از اختیارات رئیس جمهور را به پارلمان و صدراعظم واگذار کند و استقلال قوای مقننه و قضائیه از قوه مجریه را تأمین کند.

چنانچه به قول دكتور معى الدين كبرى رئيس حزب نهضت اسلامى تاجكستان كه بزرگترین حزب سياسى مخالف آقای امام على رحمان شمرده مى شود "آقای رحمان اگر مى خواهد كه با يك روش جديد کشور را اداره كند، بايد كه تيم جديدى را بكار بگمارد كه متشكل از اشخاص مستقل بوده وديدگاه جديد در مورد مسایل وقضایا داشته باشند، اين تيم نبايد رهبران زمان بحران باشند ويايد به مردم دیدگاههای مثبت ارائه نموده و با راه و روش جديدى کشور را اداره كنند."

جای شکی نیست كه اهمیت استراتژیكي تاجكستان در بين کشورهای آسیای مرکزی ، نه تنها برای خود کشورهای آسیای مرکزی بلکه به شكل کلی برای قاره آسیا وحتی کشورهای غربی كه درطی سالیان اخیر دراین مناطق سرمایه گذاری نموده اند، بذات خود در دور جديدحکمریای امام على رحمان اثراتی راداراست، ولی اين كه کشورهای غربی در عرصه زمانی فعلى چه چیزی را در تاجكستان برای حفظ منافع سياسى واقتصادی خود مقدم مى شمارند، موضوعیست جدا گانه كه تحليل وتفسیر آن از توان اين قلم واین سطور بیرون خواهد بود.

آقای معى الدين كبرى رهبر نهضت اسلامى تاجكستان كه در ماه جون سال جارى میلادی سفر مختصری به كابل داشت، ضمن يك مصاحبه با نگارنده اين سطور(برای گروه رسانه یی اصلاح) اين موضوع را خیلی زیبا تفسیر نموده و در پاسخ به يك سؤالی اظهار داشت: وضعیت کنونی تاجكستان طوری است كه کشورهای آسیای میانه برای کشورهای غربی حتی روسیه هم يك منطقه جيو پوليكي شمرده مى شود و راه ترانزیت به افغانستان و از افغانستان است، بنا براین مسائل حقوق بشری و ديموکراسی درتاجكستان برای کشورهای منطقه وكشورهای غربی در رده دوم و سوم و حتی در رده چهارم قرار دارد.

با اين همه بايد منتظر ماند ومشاهده كرد كه امام على رحمان در چهارمین دور ریاست جمهوری اش و در آغاز بیست وهشت سالگی اقتدارش به مردم تاجكستان چه اهداء مى كند وتا چه حد به وعده های كه به مردم کشورش در زمان مبارزات انتخاباتی داده است، ارج گذاشته وآنها عملی مى سازد.

www.csrskabul.com